



۲۰۱۶/۰۳/۰۸



حمید انوری

چگونه باید از "روز جهانی زن" در افغانستان تجلیل کرد؟!

"روز بین المللی زن" را چگونه می شود به زنان افغان در داخل کشور تبریک و تهنیت گفت؟! ما همه ساله شاهد "محافل" و "مجالس" در روز زن در داخل و خارج از کشور هستیم، اما زنان برده بار و پُرحمل افغان در داخل کشور چنان در نامالیمت و نابسامانی ها فرو برده شده اند، که آنرا حد و حدودی نیست.

ظلم و شکنجه و قتل و گوش بریدن و بینی بریدن زنان نازنین افغان دگر در آن مُلک جنگ زده و آفت رسیده، گویا از جمله قضایای قبول شده اند.

آیا این "تجلیل" های نمایشی و این "محافل" سمبولیک که هر ساله یکبار در گوشه و کنار مملکت برپا می شوند، دردی از هزاران درد استخوان سوز زنان برده بار و مقاوم افغان را داوا می کند؟!

به کدام زنان باید این روز خجسته را تبریک و تهنیت گفت، در حالیکه در شرایط سخت تأثیر بار و تأسف انگیزی بسر می برند و گویا روز خوش شان دندان دردیست.

به تصاویر و گزارش ذیل دقت کنید و خود وجدان خود را حاضر دیده و قضاوت کنید:



گوشه هانی از "تجلیل" روزن زن در افغانستان

به تصاویر فوق که دقیق شویم، زنی به مشاهده نمی رسد. یک مشت افراد را به گونه گردهم آورده اند، بنام زن، اما چنان سر و کله شانرا پوشانیده اند، که نفس حتی از دیدن این تصاویر بند می افتد. این است حقوق زنان و تجلیل از روز مبارک زن در کشور بلا رسیده ما. همین عکس ها در همین روز خجسته خود شاهد پامال نمودن حقوق حقه زنان افغانستان در داخل کشور است.

آنجا که "نامرد سالاری" بیداد میکند و در "روز زن" هم زنان پاک سرشت افغان را در یک محوطه سر پوشیده، در قفس میکنند و فریاد می کشند که "روز زن" مبارک باد!!!

در چنین محافل و مجالس در داخل کشور، تعدادی از خواهران ما را گرد می آورند، برای شان موعظه میکنند و وعده های چرب و گرم سر خرمن میدهند، از حقوق زنان دم میزنند و "چون به خلوت میروند، آن کار دیگر میکنند" و...

و این هم گزارشی در مورد پامالی حقوق زنان کشور، مشت نمونه خروار و قطره از ابحار:

[یک مادر از نامزدی جبری دو دختر خرد سالش نگران است

پلخمیری (پژواک، ۱۲ دلو ۹۴): مادر دو دختر خردسال در ولایت بغلان، نگران است که برادر شوهرش میخواهد که دختران وی را جبراً به پسران کلانسال خود نامزد نماید.

فرشته هفت ساله و نازی گل نه ساله، در قریه یحیی خیل ولسوالی گذرگاه نور بغلان زندگی می کنند. عبدالخالق پدر آنها در پولیس نظم عامه در ولایت کندهار افسر بود و در تابستان امسال در جنگ با مخالفان مسلح کشته شده است.

بی بی گل مادر آنها میگوید بعد از آنکه شوهرش را از دست داد، ایوروخسرش زورگویی نموده و میخواهند که دختران وی را به پسران کاکای شان که ۲۸ تا ۳۲ سال دارند، رسماً نامزد نمایند.

مادر فرشته و نازی گل که گریه میکرد، به آژانس خبری پژواک گفت که یکبار موسفیدان جمع شدند و گفتند که نامزدی دخترانش درست نیست؛ اما خسر و ایورش با چندنتن مخفیانه نشستند و دعا نمودند و دختران وی را نامزد کردند.

وی افزود: "دخترکایم هنوز خرد هستن و چیزی ره نمیفامن، باید پیش مه باشن که کلان شدن، باز خود شان میفامن که چه کنن."

بی بی گل گفت که خانواده خسر، حق و حقوق وی را نیز نمی دهند و سه ماه میشود که وی را از خانه اخراج نموده و با دو دختر خود، در خانه خاله اش به سر می برد.

وی که یک پسر شیرخوار در آغوش نیز دارد و به ریاست امور زنان بغلان عارض گردیده است، گفت که نامزد کردن در غیاب مادر و دیگران چگونه قانونی بوده می تواند؛ به خصوص اینکه دخترانش خردسال هستند و هنوز به سن قانونی نرسیده اند.

خدیجه یقین رییس امور زنان بغلان گفت که خسر و ایور بی بی گل را جلب نموده و از آنها تعهد میگیرند که نامزد مخفیانه و آنها از دختران خردسن، شرعی و قانونی نبوده و نباید با سرنوشت دختران بازی نمایند.

خانم یقین افزود که از آنها تعهد گرفته میشود که به این دو دختر و مادرش صدمه نرسانند و بگذارند که با مادر خود یکجا زندگی کنند.

رییس امور زنان گفت: "تا زمانی که پسر شیرخوار و دو دختر بی بی گل بالغ میشوند، باید خانواده خسر حقوق این بیوه زن را هم بدهند."

اما بسم الله برادر شوهر (ایور) بی بی گل گفت که بخاطری تصمیم نامزدی فرشته و نازی گل را با دو پسر خود گرفته بود که دختران بیگانه نشوند، تحت سرپرستی آنها باشند و جای دور نروند.

وی افزود: "حالی که فامیدم که نامزادی در خردی، غیر قانونی اس، وعده میکنم که دیگر به زندگی برادرزاده های خود غرض نداشته باشم و خرچ و خوراک زن بیادر خود هم میتم."

بسم الله خاطر نشان کرد که قبلاً چند نفر محدود با هم نشستند و دعا کردند و فرشته و نازی گل را به دوپسر خود نامزد نموده بودند، که حالا از این کار خود پشیمان است.

قابل ذکر است که هفته گذشته، برخی متنفذین محل گفته بودند که نامزدی این دودختر با پسران کاکای شان، ظلم و خلاف قانون است و آنها دادخواهی میکنند و می پرسند که این دوطرف، چرا و روی چه دلیلی به نکاح پسران کلانسال داده شوند.

رییس امور زنان بغلان گفت که امسال هیچ قضیه نامزدی و ازدواج زیر سن را ثبت ندارند. اما کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفته است که در سال جاری، بیش از ۲۶۰۰ قضیه خشونت علیه زنان رابه سطح کشور ثبت نموده که شامل ازدواج های اجباری و نکاح نمودن دختران خردسال نیز میشود. این کمیسیون تاکید دارد که عاملان اکثر این قضایا فرار کرده اند، که باید دستگیر و مجازات گردند. [این گزارش تأسف انگیز و تأثر بار صرف یک گوشه نهایت کوچک از پا مالی حقوق زنان کشور بصورت بسیار گسترده است.

اگر بخواهیم همه گزارشات و اخبار در مورد ظلم و ستم بر زن افغان را در یک جبهه گرد آوریم، بدون هیچگونه مبالغه و اغراق، از مثنوی هفتاد من کاغذ هم فراتر میرود. آیا می شود حقوق حقه زنان افغانستان را با سرانیدن یک پارچه شعر، یک مقاله، یک نظریه یا پیشنهاد، به دست آورد؟!]

آیا میتوان با وجدان آرام این روز خجسته را برای زنان افغان در داخل کشور تبریک و تهنیت گفت؟! جالب اینجاست که ما همه به همین عادت کرده ایم و یا عادت داده شده ایم که هر سال در همین هشتم مارچ (روز بین المللی زن)، صفحات را پُر می کنیم و بصورت تکرار اندر تکرار تاریخچه به میان آمدن روز زن را به رُخ زنان کشور می کشیم و روزها و تاریخ ها را ذکر میکنیم و در اخیر هم یک "مبارک باد" گفته و میگذریم تا سال بعد.

من با هزاران درد و دریغ قادر نیستم تا این روز خجسته و میمون را به زنان کشورم، تبریک و تهنیت عرض کنم، اما صمیمانه و از ته دل از تمام زنان رنج دیده و بردبار افغان، از همه خواهران نازنین و مادران مهربان خود معذرت میخواهم از آنچه این نامردمان روزگار، این نامردان تاریخ و این ددمنشان بی آزرم بنام انسان بر بیشتر از نصف نفوس کشور روا داشته و میدارند هنوز!!!

در افغانستان ما بیشتر از سه دهه است که "نامردسالاری" بیداد میکند. این دجالان بی همه چیز چنان غرق در فساد و جرم و جنایت اند که هیچ حد و مرزی ندارد.

سردمداران کشور قانون را در یخ نوشته و در آفتاب گذاشته اند و در زد و بُرد رهن و کوتوال باهم شریک اند و سر از یک گریبان بدر میکنند.

زنان بردبار افغان در بیشتر از سه دهه گذشته باید به این نتیجه منطقی رسیده باشند که "**حق داده نمی شود، حق گرفته می شود**"، پس نباید منتظر معجزه بود، هیچ "معجزه" ای به وقوع نخواهد پیوست و هیچ فرشته نجاتی سوار بر اسب سپید به نجات شما خواهران گرامی و مادران نازنین ما نخواهد آمد.

اینجا افغانستان است و یک مشت نامرد بر سرنوشت مردم حاکم ساخته شده اند، بی قانونی و بی بندوباری بیداد میکند، "نامردسالاری" رواج روز است، حقوق "مردها" هم چندان تعریفی ندارد، فساد اداری و خویش خوری و اقربا پروری و قوم و قوم بازی هم سر بر آسمان میزند، پس در چنین شرایط و در این اوضاع و احوال، این خود شماها هستید که ناله های خاموش تانرا باید به یک فریاد پرخروش مبدل سازید تا قصر های ظلم و ستم را به لرزه درآورید.

نه چهار سطر نوشته من، نه شعر آن و نه نثر این و نه هم نظریات و پیشنهادات این و آن دردی از دردهای استخوان سوز شما نازنینان را دوا است و نه هم گرهی از هزار و یک گره از کار فروبسته زنان افغان می گشاید.

دست بر دست هم بگذارید و یک فریاد رسا شوید، درست مانند آن روز که در مراسم تدفین خواهرک شهید ما "فرخنده"، همبستگی خود را به نمایش گذاشتید و با چشم و سر مشاهده نمودید که هیچ قدرتی قادر به درهم کوبیدن شما نیست، وقتیکه باهم باشید.

در اخیر به گوشه از یک گزارش تازه "کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان" نگاهی می اندازیم تا بهتر به عمق فاجعه رسیده باشیم:

"... در شش سال گذشته، دوسیه بیش از ۹۵۰۰ قضیه در این نهاد ثبت شده است. این قضایا شامل ۸۲۶ قضیه قتل، بیش از ۲۴۰۰ قضیه تجاوز جنسی، ۱۰۰ قضیه سقط جنین بوده است. همچنان، ۷۵ قضیه اختطاف زنان، بیش از ۲۵۰ قضیه ازدواج اجباری، نزدیک به ۲۰۰۰ قضیه لت و کوب، بیش از ۳۰۰۰ قضیه منجر به جرح، هجده قضیه بد دادن و ۹۱۴ قضیه فرار از منزل بوده به ثبت رسده است."

باید علاوه کرد که این آمار و ارقام صرف مربوط به قضایای می شود که به این کمیسیون گزارش داده شده است، درحالیکه هزاران هزار قضیه دیگر هرگز از چهاردیواری خانه بیرون نمی روند و یا در بهترین حالت تا سطح ولسوالی رسیده و در آنجا هم کار های ناهنجار دگر بر آن علاوه میگردد.



تپیدن های دل ها ناله شد آهسته آهسته
رساتر گرد شود این ناله ها، فریاد میگردد